مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

محمدصالح گردش ۲۰۲۵/۰۲/۰۲

ایزد نریوسنگهـ

در ادبیات متأخر مزدیسنان، سروش، پیک ایزدی و حامل وحی خوانده شده است و در کُتب فارسی او را با جبرئیل سامی یکی دانسته اند. ابوریحان بیرونی نیز مینویسد که سروش را جبرئیل میدانند. نظر به معنی لفظی نیریوسنگهـ مناسب تر است که این ایزد بجبرئیل و حامل وحی ترجمه شود. ر.ک:(یشت ها جلد 1 ص 518). اما تا حال در نوشته های پورداود به کدام نوشته یی در خصوص معنا و تجزیه و تعبیر اسم نیریوسنگهـ برنخورده ام تا معلومم می شد که بر پایه کدام تعبیر، توجیه و معنی لفظی اسم مذکور، بتوان این ایزد را به جبرئیل یا پیک ایزدی نسبت داد؟
نئریو سِنگهـ که به هیأت های نریو سِنگ، نیریو سنگ، نئیروسنگ، نرسی(در پارسی) و هم با توجیه پیک ایزدی که در کُتب و رساله ها مندرج است، از روزن این قلم این اسم از دو جزء کلماتی ترکیب و ساخته شده است. جزء اول این اسم ممکن است ریشه و اصل واژۀ نیرو به معنی قوت و زور در زبان پهلوی بوده باشد. جزء دوم آن سِنگ(سنگهـ) محتملاً به معنای شیر خواهد بود، چنانکه این کلمه در زبان های پنجابی و هندی به معنای شیر است. این کلمه در پسوند اسم های مردم هندو بیشتر معمول و متداول است مانند اسم های چون: سوشیانت سنگهـ، دارا سنگهـ، نیتوسنگهـ وغیره که هر سه از هنرپیشه های مشهور بالیود نیز بوده اند.
اگر جزء اولِ اسم نئیروسنگهـ یا نریوسنگ را ریشه و مبداء کلمه «نر» در زبان پهلوی بدانیم معنی اسم این ایزد می شود: «شیرِ نر» یا «نر شیر». البته که کلمۀ نر در زبان امروزی پارسی دری و نیز زبان پشتو به معنی مقابل جنس ماده، وکلمۀ «نره» به معنی رُست و بلندشده و برخاسته می شود. چنانکه وقتی گیاه های چون پیاز یا چرس وغیره به حد اعظم رشد و بلندی خود می رسند و تخمه می کنند، می گویند پیازها و هم چرس ها نره شده اند یا نره کرده اند. این جزء یا صفت در اسم حیوانات نر که به سن بلوغ و کامله می رسند، نیز استعمال می گردد مانند نره گاو، نره اسب، نره بز و ... البته با این تأکید که این شکل ساختاری و ترکیبی موافق اصول دستوری زبان پارسی دری نیست زیرا صفت به طور معمول بعد از اسم کار گرفته می شود و نه در ابتدای اسم. بنابراین در اینجا نیز تأکید می نمایم که زبان های اوستایی و پهلوی در ابتدا از صنف زبانهای هندو اروپایی بوده است. ناگفته نباید گذاشت که نر یکی از کلماتی است که در اوستا بسیار آمده چنانکه در یسنا، هات 28 بند 8 و جاهای دیگر که به معنی مرد و دلیر است. در مورد توجیه و معنای اسم کنرها نیز توجه ام به همین اصل بود چنانکه در مقاله کوتاه «وجه تسمیه واژه کنر» چنین نگاشته بودم: « یکی از محققینی که حالا اسمش یادم نیست، در مقاله یی وجه تسمیه اسم این ولایت را ترکیبی از دو جزء کوه و نهر دانسته بود. طوری که پیداست کلمۀ کوه یکی از کلمات اوستایی است و در اوستا بار بار به هیأت کئوف آمده که در زبان های بعدی کوه شده است. جزء دوم این اسم ترکیبی را «نهر»، که یکی از کلمات عربی ست دانسته بود. من در رابطه به توجیه جزء اول این کلمه سخنی ندارم، ولی در رابطه به جزء دوم آن موافق نیستم؛زیرا نهر در حقیقت جوی نسبتاً بزرگی ست که به طور طبیعی و یا مصنوعی از رود بزرگ و یا کوچک جدا می گردد. اگر آن محقق محترم با توجه به رود کنر جزء دوم این واژه را نهر دانسته باشد، می باید یادآور گردید که رود کنر یکی از رود های بزرگ این حوزۀ جغرافیایی ست و نهر نمی تواند باشد.» ر.ک: (ریشه و معنی واژه اوستا. همین قلم ص159). کنر یا کنرها را از آن جهت نیز به معنی کوه یا کوه های بلند و برخاسته و رُست می دانم که وقتی فردی از اراضی جلگه یی ونسبتاً هموار ساحات جنوب و جنوب شرق پا به این سرزمین می گذارد، ناگهان با کوه های بلند و رُست و شامخ مواجه می گردد چنانکه قلۀ بلند تراجمیر نیز که بلندترین قله سلسله هندوکش است در همجواری همین سرزمین های کنر و نورستان قرار دارد.
ایزد نریوسنگهـ در کردۀ 1 فقرۀ 8 «سروش هادخت یشت» به زیبایی و بالایی توصیف شده است که این توصیف نیز بی ارتباط به معنی لفظی اسم این ایزد نخواهد بود.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

همچنان ایزد نریوسنگهـ در آئین مزدیسنا حافظ و مستحفظِ تخمهٔ نژاد پیامبر(زردشت) نیز دانسته شده که آن تخمه را به فرشته آبها(اناهیتا) سپرده است. در آئین مزدیسنا باور به این است که سوشیانت از سرزمین هامون هلمند ظهور خواهد کرد.
شیر در نزد اقوام آریایی حیوان پر شکوه و با هیبت و دلیر و از ازمنه های قدیم طرف توجه و حرمت شان بوده است. مجسمه برجا ماندهٔ «شیر اورکش» از ملت و مردم آریایی تبار هوریانی و میتانی که شهرت جهانی دارد و نیز دو مجسمه شیر که در یک و نیم یا دو سال اخیر حکومت داکتر اشرف غنی از ساحهٔ «خَم زرگر» ولایت کاپیسا بدست آمد و هم مجسمه های شیر در آثار برجا مانده سلسلهٔ موریا از عصر آشوکا در هند این موضوع را وضاحت می دهد. مجسمه شیر های کشف شدهٔ کاپیسا را که از طریق تلویزیون طلوع تماشا نموده بودم چنان معلوم می گردید که آن مجسمه ها در شروع مدخلی قرار داشته اند، زیرا تصویرِ چند پلهٔ سنگی نیز به عقب مجسمه ها به مشاهده می رسیدند. به یقین که مجسمه های شیر در گذشته نماد تحفظ و حراست بوده اند. خدا کند که آن مجسمه ها در این اوضاع و احوال آشفته کشور تا به حال نیست و نابود نگردیده باشند و قاچاقبران و مافیای ثروت های معنوی و مادی و حتی نوامیس ملی این سرزمین آن ها را چون ملیون ها دالر سرمایه ملی و خشت های طلا به سرقت نبرده و در بازار های بیرون به حراج نگذاشته باشند.
برایم معلوم نیست که پیروان آئین مزدیسنا در پیوند به تجسیم و ترسیم ایزد نریوسنگ چه تصویر ذهنی و اعتقادی دارند؟ اما اگر آن ایزد را از لحاظ شکل جسمانی به شیر تجسم ندهند، ممکن است از لحاظ صفات و خصایل روانی و مزاجی، این ایزد را به شیر تشبیه نموده باشند. از آنجایی که نریوسنگ مستحفظ تخمه پیامبر بوده است، این موضوع می تواند وانمودگر نیرو و توان شیر و اعتماد به نیرویش در میان موجودات مادی و زمینی در نزد مردم آریایی تبار باستان بوده باشد. شیر ممکن است که حتی پیش از آئین زردشتی نیز در میان اجتماعات آریایی از جایگاه ویژه و استثنایی برخوردار بوده باشد چنانکه مجسمه برجا ماندهٔ «شیر اورکیش» در نزد ملت های آریایی تبار هوریانی و میتانی، تمدنی واقع در میان رودان(غرب ایران امروزی) و به احتمال زیاد پیش از زردشت.
در اختر شناسی نیز برج اسد (شیر) خانهٔ خورشید است. شیر در میان اقوام غیرآریایی نیز در گذشته ها حرمت می گردیده چنانکه در نزد مردم قبطی مصر باستان، شیر فرزند ایزد خورشید دانسته می شده است.
نظر دیگر همان که ممکن است جزء اول اسم ترکیبی نیریو سنگ(نریوسنگ) ریشه و بن کلمهٔ نیرو در زبان های پهلوی و پارسی- دری بوده باشد و هم بسیار ممکن است که کلمات نر و نیرو در زبان های این حوزه از یک ریشه و سرچشمه آغازیده باشند که با اتکاء و توجه به نیرو و زورمندی و دلیری این حیوان باز هم ممکن است که نریوسنگ برخودار و متصف به صفات و اوصاف شیر بوده است. در اخیر اینکه نریوسنگ مقرب ترین ایزد نزد اهورامزدا در کیش زردشتی دانسته شده است چنانکه در فرگرد 19 وندیداد گفته شده وقتی روان های پاک نیکوکاران از پل چینود می گذرند در گرزمان(جایگاه اهورومزدا) در کنار ایزد نیروسنگ قرار می گیرند.
منابع:
پور داود، ابراهیم. یشت ها جلد1، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر، 1377
گردش، محمد صالح. ریشه و معنی واژه اوستا. مزارشریف: جادهٔ بیهقی، مطبعه صورتگر 1397 خورشیدی.
وندیداد، شادروان ابراهیم پورداود، تهیه و نشر الکترونیک، علیرضا کیانی و احسان م.

آرشیف: مطالب نشر شدهٔ محترم محمدصالح گردش

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ